

## ● معرفی و نقد کتاب<sup>۱</sup>

### پژوهشی در سیاست مهاجرت

Edited by: Barbara Marshall, *The Politics of Migration: A Survey*, London: Routledge, 2006, pages. 299

#### معرفی کتاب

کتاب «پژوهشی در سیاست مهاجرت» در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط انتشارات Routledge در لندن منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای است شامل یازده مقاله، فرهنگ مفاهیم کاربردی و آمار مهاجرت که به ترتیب در سه بخش ارائه شده است. یازده مقاله بخش اول کتاب در دو قسمت مطالعه مفهومی مهاجرت و بررسی موضوع در مناطق مختلف جهان تدوین شده است. بخش دوم، اصطلاحات و مفاهیم رایج در ادبیات تخصصی مهاجرت را تشریح می‌نماید. بخش سوم نیز در زمینه مهاجرت در اروپا، آسیا، ایالات متحده آمریکا و «جمعیت‌های جابه‌جا شده در داخل کشورها»<sup>۲</sup> «آمارها و نقشه‌های مناسبی را ارائه می‌نماید. باربارا مارشال ویراستار کتاب، پژوهشگر مدرسه سیاست و مطالعات اجتماعی و بین‌المللی در دانشگاه East Anglia در انگلیس است که تاکنون آثار متعددی در زمینه امور اروپا و مهاجرت منتشر نموده است. همچنین، نویسندگان مقالات این کتاب پژوهشگر یا مسؤول مؤسسات پژوهشی در زمینه امور مهاجرت بوده (مانند Pontus Odmalam, Gream Hugo, Richard Black, Thomas Straubhaar, Kevin O'Neil) یا مسؤولیت اجرایی ملی / بین‌المللی

۱. کتاب فوق توسط رضا زبیب، کارشناس سیاسی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی معرفی و نقد شده است.

2. Internafly displaced People

در زمینه امور مهاجرت داشته‌اند (مانند (Arjan de Haan, Heaven Crawley) یا هر دو وجه در سوابق آنها وجود دارد (مانند (Christian Bosweell, Baldwin-Edward, Khalid Koser). به این ترتیب می‌توان گفت نویسندگان مقالات از کارشناسان برجسته امور مهاجرت می‌باشند. نویسندگان با برخورداری از پشتوانه علمی - کاربردی در زمینه مهاجرت، تلاش نموده‌اند به این‌گونه پرسش‌ها پاسخ دهند: مهاجرت چه نوع پدیده‌ای است و ابعاد مختلف آن چیست؟ چه انگیزه‌ها و عللی موجب مهاجرت می‌شود؟ پیامدهای مهاجرت چیست و چه مسائل کلانی در مهاجرت نوین مطرح است؟ رویکرد کشورهای مختلف اعم از مهاجرخیز یا مهاجرپذیر نسبت به این پدیده چیست و روندهای جاری در هر دو سوی این پدیده چه جهتی را نشان می‌دهد؟ و در نهایت اینکه مهاجرت در سطح بین‌المللی از چه جایگاهی برخوردار است؟ این پرسش‌ها مجموعه مسائلی است که پژوهش حاضر را هدایت نموده است.

### نگاهی به محتوای کتاب

مهاجرت امری چندبُعدی و به شدت پیچیده است که با بسیاری از ابعاد زندگی مدرن ارتباط دارد به گونه‌ای که در ادبیات تخصصی جاری از «صنعت مهاجرت»<sup>۱</sup> یاد می‌شود؛ صنعتی که طیفی از تسهیلات رسمی تا غیررسمی را به ۱۷۵ میلیون نفر جمعیت پرتنوع جامعه مهاجران ارائه می‌دهد و گفته می‌شود سود سالانه این صنعت بیش از صنعت نفت است! وجود حداقل چهار فاکتور کلان حقوق بشر، فرارمغزها، فقر و هویت در بحث مهاجرت کافی است تا اهمیت و گستردگی موضوع را نشان بدهد. با توجه به پیچیده‌بودن موضوع؛ شناخت درست آن مستلزم تقسیم‌بندی انواع مهاجرت است. از نظر نویسندگان کتاب؛ انواع مهاجرت را می‌توان براساس معیارهای زیر تقسیم نمود:

- براساس عوامل اجباری (Push Factors) مانند مهاجرت برای فرار از تعقیب قانونی،

بلاای طبیعی، فقر شدید) و عوامل جذاب (Pull Factors) مانند فراهم بودن فرصت‌های شغلی در کشور مقصد).

- براساس «انگیزه‌های مبتنی بر حقوق» (به هم پیوستن خانواده‌ها، بهره‌گیری از حق پناهندگی) و انگیزه‌های مبتنی بر عوامل اقتصادی (مهاجرت نیروی کار).  
براساس میانی قانونی: قانونمند و غیرقانونی (نامنظم).  
- براساس مدت مهاجرت: دائم یا ادواری.

### مهاجرت: روندها و رویکردها

تشخیص روندها و رویکردهای مختلف موجود نسبت به مهاجرت می‌تواند بسیاری از ابعاد پیچیده و متنوع این پدیده را روشن نماید. براساس پژوهش‌های انجام شده در این کتاب، مهاجرت را می‌توان در پرتو یک روند عمومی و سه رویکرد از ناحیه کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و جامعه بین‌المللی مطالعه نمود.

### روند عمومی مهاجرت

در بررسی روند عمومی مهاجرت، نویسندگان کتاب چهار موضوع برجسته را مورد مطالعه قرار داده‌اند: آمار مهاجرت، تغییر روند مهاجرت از برون‌مرزی به درون‌مرزی، امنیتی شدن پدیده مهاجرت و زنانه شدن آن.

مهاجرت در آئینه آمار: سازمان ملل متحد آمار مهاجران در سال ۲۰۰۴ را حدود ۱۷۵ میلیون نفر ارزیابی نموده است. این رقم در مقایسه با آمار ثبت شده ۷۶ میلیون در سال ۱۹۶۰ و ۱۰۰ میلیون در ۱۹۸۰ نشان‌دهنده روند فزاینده مهاجرت در سطح جهانی است. در سال‌های اخیر آسیا و آفریقا هرکدام با ۱۷ میلیون نفر، بیشترین مهاجران را به سایر نقاط دنیا ارسال نموده و به‌عنوان دو حوزه مهاجرخیز شناخته شده‌اند. از طرف دیگر موضوع مهاجرت

غیرقانونی رقم قابل توجهی از شمار مهاجران را به خود اختصاص داده است. موضوع قاچاق انسان که در این بخش از مهاجرت مطرح می‌شود؛ حساسیت آن را بیشتر نموده است. ارزیابی‌های موجود گویای آن است که سالانه دو و نیم تا چهار میلیون مهاجر غیرقانونی از مرزها رد می‌شوند. از این میان ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار زن و کودک قاچاق جنسی می‌شوند. در عین حال نکته قابل توجه آن است که به دلیل حفاظت‌نشدن مرزها مهاجرت غیرقانونی بیشتر در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد. این امر با توجه به سرمایه‌گذاری همه‌جانبه کشورهای توسعه‌یافته برای کنترل و محدود نمودن مهاجرت، روند فزاینده‌ای را برای کشورهای در حال توسعه موجب شده است.

تغییر جهت مهاجرت: از نظر نویسندگان کتاب، شمار رژیم‌های دیکتاتوری، مناقشات مسلحانه و نژادی - ملی برای کسب استقلال نسبت به اوایل دهه ۹۰ کاهش یافته و این امر موجب کاهش سالانه شمار مهاجرت فرامرزی از ۱۸ میلیون در سال ۹۲ به ۹ میلیون در ۲۰۰۴ شده است. در عین حال مهاجرت در درون کشورها طی سال‌های اخیر با روند فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است به گونه‌ای که اکنون این رقم ۲۴ میلیون برآورد می‌شود. ویژگی درون‌مرزی بودن این نوع از مهاجرت موجب شده است جامعه جهانی و دولت‌های میزبان توجه شایسته‌ای به این بخش از جامعه مهاجران نداشته باشند. این امر به نوبه خود چشم‌انداز افزایش روند پناهنجوهی در کشورهای توسعه‌یافته را تورسیم می‌نماید. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه کشورهای توسعه‌یافته، اعتبار مالی کمتری را برای تأمین کمک‌های بشردوستانه به این مهاجران اختصاص می‌دهند.

امنیتی شدن مهاجرت: شاید مهم‌ترین روند عمومی در پدیده مهاجرت، «امنیتی شدن مهاجرت» در جوامع توسعه‌یافته باشد. این امر صرفاً محدود به امنیت فیزیکی به‌عنوان پیامد فاجعه یازدهم سپتامبر و الصاق برجسب تروریست به مهاجران نیست، بلکه در پرتو سیاسی شدن موضوع مهاجرت و تبدیل آن به مسأله‌ای انتخاباتی در غرب، اکنون مهاجران در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان تهدیدکننده موقعیت شغلی کارگران غیرحرفه‌ای بومی

(امنیت اقتصادی)؛ ایجادکننده بار مالی برای مالیات‌دهندگان به‌عنوان پناهجو و بخشی از سیستم رفاهی (امنیت مالی)، واردکننده بیماری‌ها (امنیت بهداشتی) و ... معرفی می‌شوند. در پرتو چنین فضایی است که Koser در سومین مقاله کتاب با تشریح رویکرد پیش‌گیرانه و سخت‌گیرانه کشورهای غربی اشاره می‌کند که در سال ۲۰۰۲، کشورهای کانادا، آمریکا، انگلیس، آلمان و هلند حدود ۱۷ میلیارد دلار برای جلوگیری از مهاجرت نامنظم به کشورهایشان هزینه نموده‌اند.

تغییر ترکیب مهاجران: بررسی‌های پژوهش‌گران قسمت دوم از بخش اول کتاب نشان می‌دهد افزایش سهم زنان در جامعه مهاجران از پدیده‌های نوین این موضوع است به‌گونه‌ای که بعضاً از «زنانه شدن روند مهاجرت»<sup>۱</sup> سخن گفته می‌شود و اخیراً تا پنجاه درصد مهاجران در آسیا و آفریقا را زنان تشکیل می‌دهند.

## مهاجرت و رویکردها

یازده مقاله این کتاب را می‌توان در سه رویکرد نسبت به پدیده مهاجرت مورد ارزیابی قرار داد. رویکرد کشورهای توسعه‌یافته؛ رویکرد کشورهای در حال توسعه و رویکرد جهانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## مهاجرت و جهان توسعه‌یافته

پوتوس اودمالم در پنجمین مقاله کتاب به سابقه تاریخی و وضعیت جاری مهاجرت در غرب پرداخته و توضیح می‌دهد که غرب در دو دوره از مهاجران استفاده برده است. دوره «مهاجرت نیروی کار» و دوره کنونی که این جوامع با موازنه منفی و پیرشدن جمعیت روبه‌رو هستند. با افزایش سن جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته، رقابت اجتناب‌ناپذیر میان آنها برای جذب گزینشی مهاجران تشدید شده است. دوهان در دومین مقاله کتاب این موضوع را در چارچوب بحث شناخته‌شده «فرار مغزها» مورد بررسی قرار داده است. در عین حال

دولت‌های جوامع غربی با معمایی چندوجهی در امر مهاجرت روبه‌رو هستند. ابعاد مختلف این پارادوکس عبارتند از:

- نیاز به نیروی کار مهاجر به علت پیرشدن جمعیت و اهمیت نیروی کار تحصیل‌کرده در اقتصادی دانش پایه.

- ناکامی روش‌های سنتی در ایجاد همگرایی اجتماعی میان نسل دوم و سوم مهاجران با جامعه و ارزش‌های غرب.

- تبدیل بحث مهاجرت به سوژه‌ای انتخاباتی در اروپا که در کنار تأثیر حادثه یازده سپتامبر «موجب امنیتی‌شدن» پدیده مهاجرت در ابعاد مختلف آن شده است.

تغییر رویکرد نسبت به اعطای حق شهروندی و همگرایی مهاجرین، تلاش برای گزینشی نمودن روند پذیرش مهاجرین، تحمل هزینه‌های قابل توجه برای منع ورود مهاجران غیرقانونی و جلوگیری از ثبت درخواست پناهندگی و اقدامات مشابه در اروپا را می‌توان از پیامدهای جاری این معما دانست. در رویکرد جدید، اعطای حق شهروندی موهبتی تلقی می‌شود که صرفاً در صورت احراز صلاحیت به برخی مهاجران داده می‌شود و نه ابزاری برای همگرایی اجتماعی - فرهنگی این‌گونه افراد! همچنین در همین راستا بحث «آزمون‌های مختلف» برای اعطای حق شهروندی یا پیش‌شرط‌های مشابه بیشتری برای این امر در بسیاری کشورهای اروپایی مطرح شده یا در حال مطرح شدن است. کریستینا بوسول در مقاله ششم کتاب با ارزیابی این تحولات نتیجه می‌گیرد که چگونگی حل معمای نیاز اروپا به نیروی مهاجران از یک‌سو و روند مقابله با ورود آن از سوی دیگر، در سال‌های آینده بر سیاست در اروپا سایه افکن خواهد بود.

توماس اشتروبهار پژوهش خود را به بررسی انعکاس موضوع در روابط خارجی اتحادیه اروپایی اختصاص داده است. اشتروبهار نشان می‌دهد این اتحادیه در چارچوب موافقت‌نامه‌های اصولی<sup>۱</sup> که با کشورهای مهاجرخیز امضا می‌نماید؛ عملاً از یک‌سو زمینه را

برای پذیرش نیروی کار موقت فراهم می‌نماید تا نیاز بازار کار خود را پاسخ دهد و از سوی دیگر این امر را در چارچوب کمک‌های توسعه‌ای به این کشورها تعریف می‌نماید! این رویکرد عملاً مانع از ورود مهاجران غیرقانونی بیشتر می‌شود که از یک سو پیشگیری از مشکلات اجتماعی - فرهنگی ناشی از مهاجرت و از سوی دیگر نفی هرگونه الزام اتحادیه برای قائل شدن حقوق اجتماعی برای مهاجران را در پی دارد.

### مهاجرت در کشورهای در حال توسعه

اگر جوامع اروپایی در دو مقطع زمانی متفاوت ارسال و پذیرش مهاجر را تجربه نموده‌اند؛ ویژگی کشورهای در حال توسعه این است که به صورت همزمان نقش مهاجرخیز و در عین حال مهاجرپذیر را تجربه می‌نمایند. بحران‌های متعدد این حوزه از یک سو و وجود دو مجموعه کشورهای فقیر و غنی در میان آنها را می‌توان از عوامل شکل‌گیری این نقش دوگانه دانست. در عین حال نکته قابل توجه این است که تجربه یادشده به نوبه خود دستاوردهای ارزشمندی در امر مهاجرت به دنبال داشته که بعضاً در کشورهای پیشرفته نیز سابقه‌ای ندارد. آمار ملل متحد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۴ از حدود ۱۷۵ میلیون مهاجر، ۶۵ میلیون در کشورهای در حال توسعه اقامت داشته‌اند. در دهه‌های اخیر کانون عمومی بحران‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان یکی از عوامل مهاجرت، در کشورهای در حال توسعه بوده است. هیون کروی در چهارمین مقاله کتاب که به تحلیل علل و انواع مهاجرت پرداخته است؛ با تشریح رابطه مستقیم میان بحران‌های بین‌المللی مانند افغانستان، کلمبیا، کنگو و... با شمار پناهجویان؛ توضیح می‌دهد در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، حدود شصت درصد مهاجران از ده کشور بحران‌زده در این حوزه سیاسی - جغرافیایی بوده‌اند. بدیهی است که اکثریت این افراد، کشورهای همجوار را بنا به دلایل متعددی مانند فاکتورهای فرهنگی، کاهش هزینه سفر و به‌عنوان پناهگاه طبیعی خود تلقی و انتخاب می‌نمایند. همچنین گرام هوگو و ریچارد بلاک در مقاله‌های هفتم و هشتم کتاب توضیح می‌دهند که قاره

آسیا در سال ۲۰۰۵ با ۱۷ میلیون، بیشترین مهاجران را به خود اختصاص داده و در مورد آفریقا هم این رقم از ۱۷ تا ۵۰ میلیون نفر برآورد شده است. بلاک علاوه بر موضوع بحران‌ها، تأکید می‌نماید که افزایش آگاهی عمومی شهروندان و دولت‌های آفریقایی، هرگونه کاهش محدود و مقطعی در فقر یا کاهش در هزینه‌های سفر می‌تواند به افزایش مهاجرت از آفریقا بینجامد. بلاک با این تحلیل معتقد است مهاجرت در آفریقا از اهمیت روزافزونی برخوردار خواهد بود. از طرف دیگر کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس به نوبه خود نمونه کاملی از مهاجری‌پذیری و سیاست‌های نوین در کاهش جذب مهاجران را به نمایش گذاشته‌اند. بالدوین ادواردز در بررسی موضوع مهاجرت در خاورمیانه و مدیترانه، تجربه کشورهای حوزه خلیج فارس در خصوص تعیین «کفیل» برای مهاجران را نکته‌ای قابل توجه می‌داند. در عین حال سیاست‌های مدون کشورهای منطقه برای کاهش شمار مهاجران به عنوان نیروی کار موضوع مهم‌تری است که ادواردز تشریح می‌نماید. این کشورها در سال‌های اخیر تلاش نموده‌اند بنا به دلایل بازارکار و جمعیتی، نیروی خارجی را کاهش دهند. مثلاً دستورالعمل سال ۲۰۰۳ عربستان سعودی مقرر می‌دارد که تا سال ۲۰۱۳ نیروی کار بیگانه نباید بیش از بیست درصد جمعیت کشور باشد؛ سیاستی که به معنی حذف سه میلیون مهاجر خواهد بود. این سیاست در بحرین، کویت، عمان و عربستان سهم نیروی کار داخلی در بخش عمومی را از ۶۵ به ۸۰ درصد و در بخش خصوصی از ۲۵ به ۳۲ درصد رسانده است. این روند نشان می‌دهد که موقعیت‌های کاری با تخصص کم محفوظ خواهد بود اما موقعیت‌های تخصصی آسیب‌پذیر خواهد بود!

پس از آفریقا و حوزه خلیج فارس، مطالعه موضوع مهاجرت در آمریکای لاتین تجربه‌ای جالب و استثنایی از برخورد با پدیده مهاجرت را نشان می‌دهد که حاکی از نهادینگی موضوع در منطقه است. کوین اونیل در مقاله دهم کتاب به خوبی این تجربه را تبیین نموده است. اونیل توضیح می‌دهد که از سال ۱۹۴۸ تاکنون کشورهای منطقه ۱۴۳ موافقت‌نامه دوجانبه و بین‌منطقه‌ای در خصوص مهاجرت امضا نموده‌اند که به نوبه خود رکورد کم‌نظیری



است. این منطقه همچنین یک «کنفرانس چندجانبه منطقه‌ای در مورد مهاجرت»<sup>۱</sup> دارد که بستر لازم را برای تدوین و هماهنگی سیاست‌های مهاجرت، تبادل داده‌ها و حل اختلافات فراهم می‌کند. این کنفرانس ابتدا موضوع کنترل مهاجرت شامل قاچاق انسان، امنیت مدارک، تکنولوژی کنترل مرزها، استرداد مهاجران غیرمجاز را بررسی می‌نمود اما اکنون به سمت مسائل نرم‌افزاری مانند حمایت از حقوق کارگران معطوف شده است. از طرف دیگر همکاری سه اتحادیه اقتصادی منطقه نیز در این زمینه قابل توجه است. بازارهای مشترک جامعه کارائیب (The Caribbian Community)، جامعه آندآن (Andean Community) و مرکوسور (Mercosur) توافقاتی برای تمهیدات مربوط به کار موقت داشته و به موضوع ابعاد اجتماعی مهاجرت نیروی کار مانند همراهی خانواده‌ها، پذیرش تخصص افراد و حتی سامان‌دهی مهاجران غیرمجاز نیز پرداخته‌اند؛ امری که حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده نمی‌شود! اوئیل در مورد چشم‌انداز مهاجرت در منطقه معتقد است مهاجرت غیرمجاز و اصلاح سیاست مهاجرت ایالات متحده مهم‌ترین مسأله مهاجرت در منطقه خواهد بود به گونه‌ای که هرگونه تغییر در سیاست ایالات متحده به‌عنوان رکن سیستم مهاجرت در قاره آمریکا؛ تأثیرات ثانویه تعیین‌کننده‌ای بر کل منطقه خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### رویکرد بین‌المللی نسبت به مهاجرت

ابتکارات جاری درخصوص مدیریت مهاجرت تاکنون به‌طور عمده دوجانبه بوده و نهادهای بین‌المللی به نوعی نقش حامی و واسطه برای این کار را به عهده داشته‌اند. تجربه نشان داده است که این‌گونه ابتکارات پرهزینه بوده؛ عملاً کارآیی پائینی داشته، شکننده بوده و ضمانت اجرای کافی نیز ندارد. از طرف دیگر پیامد عملی سخت‌گیری اخیر غرب در برابر پناهندگان؛ تضعیف کنوانسیون ژنو به‌عنوان مبنای حقوقی مباحث مربوط به حقوق پناهندگان و پناهجویان بوده است. همچنین، تغییر عمومی روند مهاجرت از فرامرزی به

درون مرزی؛ واقعیت جدیدی است که به علت ماهیت آن، کم توجهی به نیازهای بشردوستانه پناهندگان و به عبارتی تضعیف حقوق آنها را به دنبال داشته است. مجموعه این عوامل، ضرورت نیل به یک رهیافت جهانی برای مدیریت پدیده مهاجرت را ایجاب نموده است. انتظار می‌رود این رویکرد عوامل برجسته مهاجرت را به رسمیت شناخته و موجب همکاری سازنده کشورهای میزبان و میهمان در جهت تأمین حقوق مهاجران و کاهش پیامدهای منفی این پدیده باشد. این ضرورت، متخصصان مهاجرت را تشویق نموده است تا تدوین «موافقت‌نامه عمومی جابه‌جایی افراد»<sup>۱</sup> را پیشنهاد نمایند. توماس اشتروپهار در اولین مقاله کتاب با تشریح روند تلاش برای تدوین رژیم بین‌المللی مهاجرت؛ نتایج بررسی‌های «گروه مطالعات رژیم نوین بین‌المللی جابه‌جایی قانون‌مند افراد»<sup>۲</sup> را توضیح می‌دهد. این رژیم جدید سه محور اصلی را پیشنهاد می‌نماید: اول، تدوین مجموعه‌ای از اهداف مشترک، دوم تدوین چارچوب بین‌المللی برای تضمین انجام اقدامات ذی‌ربط در سطوح ملی منطقه‌ای و جهانی، و سوم تأسیس ترتیبات هماهنگ‌شده نهادی مشتمل بر یک سیستم نظارتی. «کمیسیون جهانی مهاجرت بین‌المللی»<sup>۳</sup> با ارزیابی گزینه‌های احتمالی برای یک «رژیم بین‌المللی جابه‌جایی و امنیت مهاجرین»، حداقل بخشی از این ایده‌ها را مورد توجه قرار داده است. به این ترتیب می‌توان گفت جامعه بین‌المللی هر چند با کندی، اما در حال تدوین چشم‌انداز یک رژیم بین‌المللی مهاجرت است.

### ارزیابی و نقد کتاب

کتاب «پژوهشی در سیاست مهاجرت» اثری موفق در معرفی و تبیین مسائل عمومی و روندهای کلان پدیده مهاجرت است. همچنین رویکرد نویسندگان به مسائلی مانند نادیده گرفتن حقوق پناهندگان؛ امنیتی نمودن موضوع مهاجرت و ... نشان‌دهنده تلاش آنها

1. General Agreement on the Movement of People

2. NIROMP: New International Regime for Orderly Movement of People

3. GCIM: Global Commission on International Migration

برای حفظ بی‌طرفی در پژوهش است. در عین حال به نظر می‌رسد عمق کیفی تلاش نویسندگان مقاله‌های یازده‌گانه این کتاب در همین حد باقی مانده و تحلیل ریشه‌ها و پیامدهای معضلات مهاجرت به‌عنوان دو بُعد اصلی موضوع را مسکوت گذاشته است. به‌عنوان نمونه؛ اگرچه موضوع مهاجرت در آفریقا و انگیزه‌های اقتصادی به‌عنوان یکی از ارکان مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته؛ اما در واقع اشاره معنی‌داری به تأثیر دوره استعمار در ایجاد جریان قوی مهاجرت از این قاره نشده است. از طرف دیگر در حالی که وضعیت جاشیه‌نشینی مهاجران در برخی کشورهای بزرگ اروپایی مانند فرانسه موجب شورش‌های گسترده در این کشور بوده و «بیگانه ستیزی» به مفهومی رایج در ادبیات سیاسی و حتی رسانه‌ای اروپا تبدیل شده است؛ نویسندگان کتاب موضوع اول را کلاً نادیده گرفته و موضوع دوم را نیز به صورت گذرا مورد اشاره قرار داده‌اند. این سکوت در زمینه نقش سیاست قدرت‌های بزرگ در بحران‌هایی مانند افغانستان؛ کامبوج؛ عراق و ... و پیامدهای انسانی آن در ایجاد امواج بی‌سابقه مهاجرت و پناهندگی نیز عملاً در کتاب مسکوت مانده است.

قراتر از نکات یادشده؛ موضوع فلسطین و پناهندگان فلسطینی به دلایل انسانی، تاریخی و شمار استثنایی آنها نیاز به توجه ویژه دارد. بدون تردید مهم‌ترین موضوع مغفول در کتاب را باید وضعیت بیش از پنج میلیون فلسطینی دانست که به‌صورت تعجب‌برانگیزی در مقاله بالدوین ادواردز درخصوص مهاجرت در خاورمیانه و حوزه مدیترانه نادیده گرفته شده است! در حالی که اسرائیل به‌عنوان یک کشور مهاجرپذیر بخش مشخصی از این مقاله را به خود اختصاص داده؛ سکوت نویسنده در قبال وضعیت پنج میلیون آواره فلسطینی صرفاً می‌تواند قرینته‌ای بر قانون نانوشته اما آهنین خودسانسوری نسبت به مردم بی‌گناه فلسطین در جوامع غربی باشد! اگر این قانون توانسته است حوزه بی‌طرفی مانند پژوهش علمی را نیز در برگیرد، به نظر می‌رسد بتوان آن را به‌عنوان بُعد فرهنگی هولوکاستی دانست که شش دهه است تلاش می‌نماید واقعییتی به نام «ملت فلسطین» را از صحنه تاریخ و جغرافیا حذف نماید!



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني